





پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته الهیات (فلسفه و کلام اسلامی)

دانشکده الهیات
گروه علمی الهیات

عنوان پایان نامه:

نسبت حکمت و تمثیل در اندیشه سهروردی با تأکید بر رساله «آواز پر جبرئیل»

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدحسین مهدوی نژاد

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر مرضیه اخلاقی

نگارش:

مریم رجایی

بهار ۱۳۸۸



پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته الهیات (فلسفه و کلام اسلامی)

دانشکده الهیات
گروه علمی الهیات

عنوان پایان نامه:

نسبت حکمت و تمثیل در اندیشه سهروردی با تأکید

بر رساله «آواز پر جبرئیل»

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدحسین مهدوی نژاد

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر مرضیه اخلاقی

نگارش:

مریم رجایی

بهار ۱۳۸۸



بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان

که در مرکز

تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع:

نمره:

درجه ارزشیابی:

اعضای هیأت داوران:

<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیأت داوران</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>امضاء</u>
۱-	استاد راهنما		
۲-	استاد مشاور		
۳-	استاد داور		
۴-	نماینده گروه علمی		
۵-	نماینده تحصیلات تکمیلی		

تقدیم:

گر عشق نبودی و غم عشق نبودی
چندین سخن نغز که گفتمی که شنودی؟
ور باد نبودی که سر زلف ربودی
رخساره معشوق به عاشق که نمودی؟

تقدیم به دو بال پروازم به

آسمان علم

پدر و مادر فداکارم

تشکر و قدردانی

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

اکنون که به لطف خداوند متعال نگارش این پایان نامه به پایان رسیده بر خود فرض می دانم که از اساتید ارجمند و گرانقدر استاد راهنما جناب آقای دکتر محمدحسین مهدوی نژاد و استاد مشاور سرکار خانم دکتر مرضیه اخلاقی که با رهنمودهای خود راه بر من گشودند و مرا در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تشکر کنم.

و هو ولی التوفیق

مریم رجایی

بهار ۱۳۸۸

چکیده:

این پایان نامه پژوهشی دربارهٔ رابطه حکمت و تمثیل در اندیشه سهروردی است که با تأکید بر یکی از رمزی‌ترین رسائل وی یعنی "آواز پر جبرئیل" با روشی توصیفی و تحلیلی انجام شده است. هدف از تبیین این رساله نشان دادن جایگاه تمثیل در میان آثار سهروردی است و اینکه آیا این رسائل ادبی و تمثیلی می‌تواند بازگوکننده‌ی حکمت و فلسفه خاص این فیلسوف بزرگ ایرانی باشد یا خیر؟ همچنین بازنمودی است از فلسفه اشراق تا در آن تأکید بیشتری بر جنبه‌های ذوقی و عرفانی نموده و اسلوبی نظام مند در سیر اندیشه‌های حکمی و تجربه‌های عرفانی را نشان دهد و نیز بیانگر قصد و اراده سهروردی در بیان رمزگونه فلسفه و حکایات تمثیلی و رمزی‌اش باشد، سهروردی با تلفیق آراء حکمای پیشین به بازسازی حکمت مشاء با مایه‌های عرفانی پرداخته است و فلسفه اشراق خود را پیوندی بین فلسفه و تجربهٔ عرفانی قرار داده و با بیانی لطیفتر با شهود و الهام آمیخته است. و در پایان در پی دستیابی به همان حکمت از طریق داستان آواز پر جبرئیل می‌باشد به طوری که نشان دهد اساس داستان بر مبانی حکمت وی از جمله مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی استوار است که این مهم از طریق رمزگشایی و شرح داستان به وضوح خودنمایی می‌کند. واژگان کلیدی: حکمت، تمثیل، رابطه حکمت و تمثیل، مبانی فلسفه اشراق، زبان رمزی، تجربه عرفانی، سهروردی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	
۱) تعریف مسئله	۱
۲) روش تحقیق	۵
۳) اهداف و دستاوردهای تحقیق	۵
۴) سئوال‌های اصلی تحقیق	۵
۵) فرضیه‌های تحقیق	۵
۶) مروری بر مباحث تحقیق	۶
فصل اول: ایضاح مفاهیم محوری	
۱-۱. چیستی فلسفه	۷
۱-۱-۱. کاربرد سقراطی و ارسطویی	۸
۱-۱-۲. فلسفه به معنای متافیزیک (مابعدالطبیعه)	۱۰
۱-۱-۳. اصطلاح فلسفه (حکمت) در میان فلاسفه مسلمان	۱۱
۱-۱-۴. سهروردی و حکمت اشراق	۱۷
۲-۱. چیستی تمثیل	۲۱
۳-۱. چیستی رمز (سمبل)	۲۷
۱-۳-۱. تفاوت تمثیل و رمز	۲۹
فصل دوم: رویکرد سهروردی به رابطه حکمت و تمثیل	
۱-۲. سرچشمه‌های حکمت اشراق	۳۴
۱-۱-۲. هرمس	۳۵
۲-۱-۲. جاماسب	۳۷
۳-۱-۲. فهلویین	۳۸
۴-۱-۲. خسروانیان	۳۹
۵-۱-۲. قرمطیان	۴۰
۶-۱-۲. زرتشت	۴۱
۷-۱-۲. صابئین	۴۳
۸-۱-۲. حکمت یونان باستان	۴۵

- ۴۹..... ۱-۸-۱-۲. انبازقلس.....
- ۴۹..... ۲-۸-۱-۲. فیثاغورس.....
- ۵۰..... ۳-۸-۱-۲. سقراط.....
- ۵۱..... ۴-۸-۱-۲. افلاطون.....
- ۶۱..... ۵-۸-۱-۲. ارسطو.....
- ۶۲..... ۶-۸-۱-۲. افلوپین.....
- ۷۳..... ۷-۸-۱-۲. تأثیر حکمت نوافلاطونی بر حکمت سهروردی.....
- ۸۰..... ۹-۱-۲. حکمای مشائی مسلمان.....
- ۸۵..... ۱-۹-۱-۲. فارابی.....
- ۸۶..... ۲-۹-۱-۲. اخوان الصفا و اسماعیلیه.....
- ۸۸..... ۳-۹-۱-۲. فلسفه بوعلی، یا آمیزش فلسفه مشاء با دید نوافلاطونی.....
- ۹۳..... ۴-۹-۱-۲. فلسفه "اشراقی" بوعلی سینا.....
- ۹۶..... ۶-۸-۱-۲. ابن سینا و مثل افلاطونی.....
- ۹۷..... ۶-۹-۱-۲. ابن سینا و سهروردی.....
- ۹۹..... ۱۰-۱-۲. سیر نظریه اشراق در قرون وسطی.....
- ۱۰۰..... ۱-۱۰-۱-۲. مقام اشراق در نظریه معرفت آگوستین.....
- ۱۰۲..... ۱۱-۱-۲. متون مقدس.....
- ۱۰۴..... ۱۲-۱-۲. عرفان و تصوف.....
- ۱۰۶..... ۱-۱۲-۱-۲. سهروردی و صوفیان بزرگ.....
- ۱۱۰..... ۲-۲. نفوذ فلسفه اشراق.....
- ۱۱۰..... ۱-۲-۲. ایران بزرگ.....
- ۱۱۲..... ۱-۱-۲-۲. فیلسوفان اشراقی پیش از مکتب اصفهان.....
- ۱۱۳..... ۲-۱-۲-۲. مکتب اصفهان.....
- ۱۱۶..... ۳-۱-۲-۲. سهروردی و تأثیرات او بر ملاصدرا.....
- ۱۲۴..... ۴-۱-۲-۲. عصر قاجار.....
- ۱۲۶..... ۵-۱-۲-۲. مکتب شیخیه.....
- ۱۲۶..... ۶-۱-۲-۲. دوره معاصر.....
- ۱۲۸..... ۲-۲-۲. هند.....

۱۲۹ ۳-۲-۲. سوریه و آسیای صغیر
۱۳۱ ۳-۲. "مبانی حکمی آواز پر جبرئیل"
۱۳۱ ۱-۳-۲. حیات علمی سهروردی
۱۳۴ ۲-۳-۲. آثار سهروردی
۱۳۶ ۳-۳-۲. معرفت‌شناسی سهروردی
۱۴۳ ۱-۳-۳-۲. معرفت و امکان آن
۱۴۶ ۲-۳-۳-۲. رابطه معرفت‌شناسی و اشراق
۱۵۱ ۳-۳-۳-۲. صورت و هیولی
۱۵۵ ۴-۳-۲. هستی‌شناسی سهروردی
۱۵۵ ۱-۴-۳-۲. نور و ظلمت
۱۵۷ ۲-۴-۳-۲. وجود و ماهیت از نظر حکمت سهروردی
۱۵۹ ۳-۴-۳-۲. موجودات واجب و ممکن
۱۶۰ ۴-۴-۳-۲. اشراق نوری
۱۶۴ ۵-۴-۳-۲. عوالم سه گانه
۱۶۷ ۶-۴-۳-۲. نظریه عقول عشره
۱۷۵ ۷-۴-۳-۲. سهروردی و مقوله‌های فلکی
۱۷۹ ۵-۳-۲. انسان‌شناسی سهروردی
۱۷۹ ۱-۵-۳-۲. نفس و بدن
۱۸۲ ۲-۵-۳-۲. نفس ناطقه
۱۸۶ ۳-۵-۳-۲. دیدگاه شیخ اشراق در کیفیت حدوث نفس
۱۸۸ ۴-۵-۳-۲. مسئله پیشباشی روح بر تن و دلایل تجرد نفس
۱۹۳ ۵-۵-۳-۲. عالم مثال و جاودانگی نفوس متوسط
فصل سوم: در باب رساله "آواز پر جبرئیل" و رمزگشایی آن	
۱۹۵ ۱-۳. خاستگاه حکایت‌های رمزی - عرفانی سهروردی
۲۰۶ ۲-۳. مضامین داستان‌های رمزی تمثیلی سهروردی
۲۲۴ ۲-۲-۳. زبان رمزی - تمثیلی شیخ اشراق
۲۲۸ ۲-۱-۳. ژرفاشناسی داستان‌های رمزی - عرفانی سهروردی
۲۳۱ ۳-۱-۳. مسیر سفر روح

۲۳۳	۲-۳. معرفی و رمزگشایی آواز پر جبرئیل
۲۳۳	۱-۲-۳. معرفی آواز پر جبرئیل
۲۳۷	۲-۲-۳. شرح و رمزگشایی آواز پر جبرئیل
۲۷۸	نتیجه‌گیری
۲۸۸	فهرست منابع فارسی
۲۹۴	فهرست منابع عربی

مقدمه

۱) تعریف مسئله

فلسفه اسلامی تا زمان تأسیس حکمت متعالیه به دو جریان مشائی و اشراقی تقسیم می‌شد، سرآمد گروه نخست ابن‌سینا و بنیان‌گذار گروه دوم یعنی فلسفه اشراق سهروردی است. مشائیان پیرو ارسطو و اشراقیون پیرو افلاطون‌اند، سهروردی در کتاب مطارحات خود از شجره بزرگ حکمت سخن می‌گوید که شاخه‌هایش به قوت شیوه‌ای اسرارآمیز، که سهروردی آن را «خمیره ازلی» می‌نامد که از جانی به جان دیگر می‌رسد، همواره افزون‌تر و پراکنده‌تر می‌شود این خمیره ازلی سهروردی را به ترسیم «شجره‌النسب» اشراقیون رهنمون می‌شود، در اینجا هر گونه تضاد میان حکمای یونان و حکمای شرقی از میان بر می‌خیزد، هر دو از نگهبانان «کلام» در جانب غربی یا جانب شرقی‌اند، کربن^۱، با توجه به اشارات خود سهروردی، شجره نامبرده را به شرح ذیل در نظر می‌گیرد (شایگان، ۱۳۸۵: ۲۰۸):

در خاستگاه، در ریشهٔ درخت، هرمس را داریم که پدر حکمت است. در جانب شرقی‌اش حکمای پارس یا فهلویان را داریم کیومرث یا ملک‌الطین. از آن پس به دو قهرمان حماسی می‌رسیم که پیش از زرتشت بوده‌اند و در اوستا از آن‌ها نام برده شده پس نوبت فریدن و کیخسرو می‌رسد، خسروانیون پس از کیخسرو می‌آیند. خمیرهٔ خسروانیون از طریق سه استاد و پیشوای صوفیان بایزید بسطامی، منصور حلاج و ابوالحسن خرقانی به خود سهروردی می‌رسد.

در جانب غربی شجره، خمیره از سقلیبوس به انباز قلس، فیثاغورث و افلاطون می‌رسد و از طریق فیثاغورسیان در اسلام به ذوالنون مصری و بوسهل تستری، سرانجام، دو جانب شجره همچون دو کمان جانبی سرو که در بالای درخت به هم می‌رسند، در اوج حرکت خود به گروه اشراقیون می‌انجامند، که گفتارشان ابزار یا اندام سکینه است، مفهوم اخیر، یعنی مفهوم سکینه (حضور)، از نظر سهروردی با «خورنه» زرتشتی و «مشکاه الانوار نبوی» مسلمانان هر دو همانند است.

پس به این نتیجه می‌رسیم که پیامبر و فیلسوف هر دو از یک عقل قدسی^۲ الهام می‌گیرند و یک فرشته - روح داریم که در عین حال فرشتهٔ شناخت و فرشتهٔ وحی است.

طرح دو منظورهٔ سهروردی این است که مغان یونانی مشرب را به دامن ایران اسلامی برگرداند و فیلسوفان یونانی را به مشکات انوار نبوی در اسلام.

^۱. Henry Corbin

^۲. Intellectus Sanctus

خود سهروردی در سنت اشراق به کانون برخورد و تلاقی ایرانیت و یونانیت تبدیل می‌شود. این دو جانب که مکمل یکدیگراند اساس حکمت شیخ اشراق را می‌سازند و این بدان ماند که کسی بخواهد سنت نبوی ایرانی را با سنت ابراهیمی تورات و قرآن از یک سو و سنت افلاطونی را با حکمت ایرانی اشراق از سوی دیگر در هم ادغام کند.

نکته قابل توجه، این است که زبان سهروردی، زبان اشارت است، و فهم زبان اشارت محتاج گونه‌ای فهم افقی وجود است، زبان اشارت، زبان رمز است، برخلاف زبان عبارت که تفسیر و تعبیری از معانی و مفاهیم معمولی و مواجهه با امور عالم در سطح عادی و افقی است، در زبان اشارت با نمایش دریافت‌های ماورایی و معطیات بی‌واسطه ناخودآگاهی روبروئیم، در اینجا امور در سطح غیرعرفی تصویر می‌شوند، رمز، حشر معانی مُمثل است برای نمایش صور مثالی و ایده‌های ازلی، شمس‌الدین شهرزوری شارح و مفسر اندیشه‌های سهروردی در تاریخ فلسفه‌ی خویش، شناخت اندیشه‌های سهروردی را متوقف بر رمزشناسی و معرفت نفس بر می‌شمارد.

سهروردی خود بر آن است که سخنان حکمای پیشین به رمز بوده است. (سهروردی، ۱۳۷۷: ۱۸ / مقدمه) او در جمله‌ای به یاد ماندنی می‌گوید: «اختلاف عبارت تو را بازی نگیرد، که روز رستاخیز هنگامی که مردمان در پیشگاه خداوند حضور می‌یابند، از هر هزار تن، نهصد و نودونه تن کشته‌ی عباراتند و ذبیح شمشیر اشارات». (همان، ۱۳۵۶: ۸۲)

ادبیات عارفانه در ذات و جوهره، رمزی است، چرا که اساساً در پی تجربه‌هایی است که در سطحی فراتر از سطح تجارب معمولی رخ داده‌اند و لذا زبان از تبیین آن‌ها عاجز است. بدین سان پای رمز به میان می‌آید و عارف می‌کوشد تا تصویری از امر برتر را به واسطه‌ی رمز بازسازی کرده و انتقال دهد. پس معرفت ادبیات و هنر عرفانی، منوط به درک و دریافت معانی باطنی و مکتوم در پس صور رمزی است.

در جهان‌بینی عرفانی، اشیاء تمائیلی از عوالم دیگرند، عوالمی برتر و باطنی، که در طول یکدیگر گسترش یافته‌اند، پرده بر گرفتن از ظواهر و راه یافتن به باطن هر عالمی، راه بردن به ظاهر عالمی جدید است و این دور تا پایان ادامه خواهد داشت. آدمی زندانی حجاب‌هاست، رنگ‌ها و پرده‌هایی در برابر دیدگان روح‌اند تا نتوانیم عالم بی‌رنگ و بی‌رنگی را مشاهده کنیم، در شهود شیء به مثابه رمز، عبوری از سطح پدیدارشناسانه‌ی اشیاء به عمق وجودی را شاهدیم، و این امر یعنی ژرفا یافتن

شناخت.

رمز در ادبیات عرفانی شبکه‌ای از دلالت‌های اعتباری نیست بلکه در اینجا باطن وجود به ظهور می‌آید و صورت شیء به آینه‌ای برای نمایاندن ژرفای معنوی آن بدل می‌شود.

داستان‌ها یا رسائل عرفانی شیخ اشراق در واقع ادامه‌دهنده و کامل‌کننده حکایت‌های عرفانی فیلسوفان پیش از خود از جمله ابن سینا می‌باشد، داستان‌های رمزی و تمثیلی ابن سینا سه رساله‌اند که این رسائل که بعدها شیخ اشراق داستان‌های خود را به همین سبک و سیاق اما با تفاوت خاصی نوشته است، به شیوه رمزی بیانگر شرح مراحل هستند که نفس، پس از رهایی از قید و بندها و عروج تدریجی و خروجش از زندان عالم جسمانی می‌پیماید که در آن‌ها با شخصیت‌ها و مکان‌های نمادینی روبرو می‌شویم و با سرزمین‌های ناشناخته‌ای آشنا می‌شویم، بنابراین باید گفت قصه «غربت غربی» سهروردی بنا به گفته خود او از مرحله پایانی رساله «حی بن یقطان» ابن سینا الهام گرفته است و داستان سیر و سلوک، سالکی را به تصویر کشیده که از وطن خویش در شرق به سوی غرب که همان دنیای مادی است و شهر «قیروان» رمزی از آن است می‌رود و آنجا در چاهی گرفتار و محبوس می‌گردد و تنها شب‌ها می‌تواند از آنجا خارج شود و گهگاهی نشانه‌هایی از عالم شرق ببیند، سرانجام پس از مدت‌ها با پیام هدهد از جانب پدر در طلب وطن شرقی خود راهی سفر می‌شود و پس از طی مراحل مختلف با فرشته رهنما دیدار می‌کند.

اما این داستان تا حدی نیز تحت‌تأثیر افکار افلاطون بوده است، چرا که مضمون «چاه قیروان» بی‌اختیار ما را به یاد تمثیل غار افلاطون می‌اندازد، این غار جهان است و جهانیان همه زندانیان آن، آتش نیز که در این تمثیل در پس ایشان روشن است تمثیلی است از خورشید حقیقت، سایه‌ها اشیاء جهانند و روندگان آن سوی دیوار، ایده‌های ازلی یا مُثُل هستند که در ورای جهان قرار دارند، مشاهده می‌شود که مفاهیم اصلی و اساسی اندیشه افلاطون در داستان قصه «غربت غربی» سهروردی مورد تأکید قرار می‌گیرد، به این جهت در اینجا داستان «غربت غربی» سهروردی را از میان همه داستان‌های تمثیلی ایشان مثال آوردیم که مایه‌های اصلی رمزهای عرفانی آثار سهروردی را در این قصه می‌توان یافت و داستان‌های دیگر در واقع شرح و بسطی از مفاهیمی هستند که در این اثر نمود یافته است.

مشاهده می‌شود که ردّ پای استفاده از تمثیل به افلاطونیان می‌رسد و در آن هنگام نیز از تمثیلات

عرفانی جهت بیان مقاصد فلسفی استفاده می‌شده است تا اینکه این میراث به سهروردی می‌رسد. در این پایان‌نامه در پی آن هستیم، که آیا رساله «آواز پر جبرئیل» نیز مانند قصه غربت غربی ریشه در افکار و اندیشه‌های سایر فلاسفه دارد و این تأثیرات تا چه حد در این رساله خودنمایی می‌کند و اینکه آیا این رساله می‌تواند بیانگر استقلال اندیشه سهروردی و مکتبی باشد که وی پایه‌گذاری کرده است و یا اینکه در تقابل با این شیوه تفکر و البته نظریات اشراقی خاص اوست و ادامه همان تفکرات مکتب مشائی می‌باشد که سهروردی در بسیاری موارد به رد آنها پرداخته است. و این مطلب را روشن می‌سازد که افکار فلسفی این فیلسوف بزرگ تا چه میزان بر ادبیات و عرفان خاص او تأثیر داشته است.

۲) روش تحقیق:

روش ما در این پایان‌نامه، توصیفی و تحلیلی، با توجه بیشتر، به مقام تحلیل در بیان مبانی است که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و جستارگرایی رایانه‌ای انجام می‌شود.

۳) اهداف و دستاوردهای تحقیق:

ارائه تقریری منقح با ساختاری نظام‌مند از دیدگاه سهروردی در مسأله رابطه حکمت و تمثیل، تحلیل مبانی و بیان برخی پیش‌فرض‌های رویکرد سهروردی از دستاوردهای این پژوهش به شمار می‌رود. اگرچه چنین مباحثی در برخی منابع به صورت پراکنده آمده است، آنچه ضرورت انجام این تحقیق را ایجاب می‌کند، بیان منقح به همراه تحلیل مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی رویکرد سهروردی در مسأله مذکور است، تا اهمیت وی به عنوان نماینده فلسفه اشراق در جهان اسلام و تأثیر تفکرات وی بر فیلسوفان بعدی، برای خوانندگان معلوم گردد.

۴) سئوال‌های اصلی تحقیق:

- ۱) رابطه حکمت و تمثیل در اندیشه سهروردی چیست و بر کدام مبانی استوار است؟
- ۲) آیا رمزها و تمثیل‌های سهروردی می‌تواند بیانگر حقایق فلسفی و حکمی او باشد؟
- ۳) رمزها و نمادهای قصه «آواز پر جبرئیل» با کدامین مفاهیم حکمی او تبیین می‌شوند؟
- ۴) فایده و کارکرد زبان تمثیل چیست و چرا سهروردی از چنین زبانی استفاده کرده است؟

۵) فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه‌هایی که در این رساله در پی نشان دادن اثبات، تایید یا رد آنها هستیم نیز به ترتیب عبارتند از:

- ۱) به نظر می‌رسد که سهروردی حقایق ذوقی و حکمی را که در حکمت خود به زبان فلسفی آورده، در قصص خود با زبان تمثیلی بیان کرده و بر این اساس با اسلوبی نظام‌مند و با مبانی و ساختار مفهومی خاص به ترکیب تجربه عرفانی و تفکر فلسفی نائل آمده است.
- ۲) استعمال زبان تمثیل از سوی سهروردی با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل محدودیت‌ها و تنگنای زبان

فلسفی و یا کتمان اسرار از عوام و نااهلان صورت پذیرفته است.

۶) مروری بر مباحث تحقیق:

پیش از ورود به متن اصلی، خلاصه‌ای از مطالب فصول این تحقیق از نظر خواهد گذشت. تحقیق حاضر، بعد از مقدمه، شامل سه فصل و یک نتیجه‌گیری (جمع بندی) است. در مقدمه، پس از طرح مسأله، درباره روش تحقیق و دستاوردهای آن و سئوال‌های اصلی، فرضیه‌های تحقیق و مباحث آن سخن گفته‌ایم. در فصل اول، با عنوان «ایضاح مفاهیم محوری» به تعریف مفاهیم محوری تحقیق پرداخته شده است و در فصل دوم که با عنوان «رویکردهای مختلف به مسأله رابطه حکمت و تمثیل» نامیده شده در سه بخش به مباحث مورد نظر پرداخته شده است و این سه بخش عبارتند از: نخست سرچشمه‌ها و مبانی حکمت اشراق، دوم تأثیر حکمت اشراق بر سایر حوزه‌های حکمی و فلسفی و سوم، مبانی فلسفی شیخ اشراق که در داستان «آواز پر جبرئیل» بر آن تأکید شده است. و فصل سوم این پایان‌نامه نیز که با عنوان «در باب رساله آواز پر جبرئیل و رمزگشایی آن» آغاز می‌شود مشتمل بر سه بخش می‌باشد که بخش نخست به خاستگاه حکایت‌های رمزی - عرفانی سهروردی و بخش دوم به مضامین داستان‌های رمزی و تمثیلی و بخش سوم به رمزگشایی رساله «آواز پر جبرئیل» می‌پردازد.

فصل اول

ایضاح مفاهیم محوری

۱-۱. چیستی فلسفه^۱

از سوی فیلسوفان، تعاریف مختلفی از فلسفه ارائه شده است که البته تلاش برای تعریفی که از آن استقبال همگانی بعمل آید، ناموفق بوده است. از این رو، هنوز هم ماهیت دقیق آن مورد بحث و گفتگو است. شاید کمتر واژه‌ای به اندازه واژه فلسفه دارای این چنین معانی متعدد و تعبیرات گوناگون باشد.

واژه فلسفه ریشه یونانی دارد و روگرفتی از دو کلمه یونانی "فیلو - سوفیا"^۲ است. "فیلو" به معنی دوستداری، عشق، و محبت؛ از "فیلوس"^۳ به معنی دوستدار، عاشق، و با محبت است. "سوفیا" به معنی دانایی، خرد و فرزانه‌گی؛ از "سوفوس"^۴ به معنی دانا و خردمند و فرزانه است. بنابراین فلسفه از حیث لغوی به معنی دانش دوستی و عشق به خردمندی و فرزانه‌گی است. (صدری، ۱۳۸۴: ۲)

بنابراین فلسفه از نخستین روز پیدایش به معنی دوستی ورزیدن به دانایی و تفکر و فرزانه‌گی بوده است. کلمه فلسفه یک کلمه اصطلاحی است که در هر دورانی و در میان فرهنگهای مختلف، تعبیرات گوناگون از آن به عمل آمده است. فلسفه هر دورانی کوششی بوده است برای طرح پرسشهایی در برابر جهان بیرونی و درونی و یافتن پاسخهایی برای آنها.

تاریخ فلسفه از تالس گرفته تا امروز نشان داده است که فیلسوف همواره کوشیده است که واقعیت را از راه فهمیدن توجیه کند و از آن یک تعبیر عقلانی به دست دهد. هر فیلسوفی همواره فلسفه خود را بر اساس نحوه تفکر و تلقی خاص خود از عالم هستی، تعریف کرده و بر آنست که فلسفه‌اش بیانگر گوهر موثق فلسفه راستین است، در حالیکه این همه پاسخگویی گوناگون نه می تواند یکسره درست تلقی شوند و نه نادرست. مثلاً تعریف ارسطو از فلسفه اساساً تعریف خود فلسفه ارسطو است. اما اینکه فلسفه ارسطو یا هر فلسفه دیگری تا چه حد بیانگر تعریف دقیق فلسفه است دقیقاً تابع یک سلسله متغیرات تاریخی است. تقریباً تمامی فیلسوفان معتقد بوده‌اند که آیین آنها بیان حقیقی گوهر فلسفه است در حالیکه می‌بینیم تمامی مکاتب برجسته فلسفی یکدیگر را نفی می‌کنند، که البته این خود خصلت اساسی فلسفه است، زیرا همواره پیچیده‌ترین مسائل مربوط به هستی جهان و انسان و

^۱. philosophy

^۲. philo - sophia

^۳. philos

^۴. sophos